

ظهور سیاست صنعتی چین در دوره ۱۹۷۸ تا ۲۰۲۰

- نویسنده: بری ناتون
- مترجمان: محسن محمدی‌ایوانکی، محمد پریمی و مجتبی بیگدلی
- ژانر و دسته‌بندی: سیاست صنعتی و تجاری
- مشخصات نشر: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، چاپ اول، ۱۴۰۱

خلاصه: اهمیت این کتاب در این است که به‌طور مشخص به تجربه کاربرد سیاست صنعتی در چین می‌پردازد و اطلاعات ریز جالبی از انواع سیاست‌گذاری‌های معطوف به تعمیق نوآوری و پیشبرد فرآیند بهینه‌سازی فناورانه در این کشور به‌دست می‌دهد. در تدوین این کتاب نویسنده برخورد دست به عصاگونه‌ای با مفهوم و نظریه سیاست صنعتی دارد و میان این رویکرد و رویکرد بازارگرای فارغ از مداخله دولت در اقتصاد و صنعت، مرزبندی محکمی به روال نظریه‌پردازان برجسته سیاست صنعتی، از «فردریک لیست» در قرن نوزدهم گرفته تا نظریه‌پردازانی چون «ها-جون چانگ» و «رابرت وید» ندارد و به این اعتبار در جاهایی با تأکید بر سیاست‌های بازارگرا، مرز میان این دو را مخدوش می‌کند. در مجموع از نظر به تصویر کشیدن مسیری که چین با طی آن به اقتصاد صنعتی تبدیل شده و در حال گذار به اقتصاد دانش‌بنیان است، اثری عالی و درخشان است. سیاست مگاپروژه‌ها، برنامه صنایع نوظهور راهبردی، ادغام پروژه‌های غیرنظامی و نظامی با کارکرد دوگانه و برنامه توسعه مبتنی بر پیش‌ران نوآوری، صندوق‌های تأمین منابع مالی رشته فعالیت‌های اساسی و راهبردی، به همراه برنامه‌های پنج ساله توسعه، اجزای اصلی سیاست صنعتی چین در سال‌های اخیر بوده‌اند. نویسنده معتقد است چین، بعد از سال ۱۹۸۰ تا اواسط و اواخر ۲۰۰۶ چندان درگیر سیاست صنعتی به معنای مداخله دولت در ساختارسازی صنعتی و انتقال منابع از رشته فعالیت‌های با بهره‌وری پایین به رشته فعالیت‌های با بهره‌وری بالا نبوده است، اما از طریق اقدامات انگیزشی بازارمحور و اقداماتی که موجب انتقال جمعیت روستایی به شهرها شد، زمینه را برای خیز صنعتی چین در دوره اول فراهم کرد. در دوره بعد سال‌های ۲۰۰۶ تاکنون، مشخصا سیاست‌ها و برنامه‌های مذکور اجرا می‌شوند و با صندوق‌های هدایت صنعتی دولتی، حمایت مالی می‌شوند.

نکته مهم دیگری که نویسنده بر آن تأکید دارد، هماهنگی قوی است که در سطوح مختلف نظام تصمیم‌سازی چین وجود دارد. هماهنگی میان دولت‌های ایالتی و دولت مرکزی از یکسو و هماهنگ‌سازی میان وزارتخانه‌های ذیربط با این برنامه‌ها از دیگر سو و میان این‌ها با دولت‌های ایالتی از سوی دیگر. این هماهنگی عمدتا از طریق کمیته مرکزی حزب کمونیست چین و شورای دولتی و کمیسیون توسعه و اصلاحات ملی انجام می‌شود که در رأس نظام تصمیم‌سازی قرار دارند و اسناد و قوانین آنها دارای ضمانت اجرایی قوی است. به این اعتبار، نظام تصمیم‌سازی این کشور دچار چالشی به‌نام شکست در هماهنگ‌سازی سیاستی نیست که برخی از کشورها با آن درگیرند و برخی بسیار شدیداً با آن درگیرند. از نظر سیر زمانی این کتاب تحولات سیاسی را تا سال ۲۰۲۰ دربر می‌گیرد و از این نظر می‌توان گفت که اثری به‌روز است. در مورد چند و چون ابزار برنامه‌های مرتبط با سیاست صنعتی از جمله صندوق‌های هدایت صنعتی، بری ناتون نظر منسجمی ندارد. از سویی معتقد است این صندوق‌ها با نقص نظام انگیزشی و درگیر شدن در پرداخت‌های تضمین بازده‌ای موجب کاهش کارایی و اتلاف منابع می‌شوند و به همین دلیل احتمالاً در آینده چین دچار چالش‌های مالی و بحران مالی خواهند شد. از سوی دیگر معتقد است اگر دولت، شرکت‌ها و مدیران را در جهت پاسخگویی و پاداش به ازای عملکرد سوق دهد، احتمالاً چین تجربه موفقی به‌ویژه در گذار به قله‌های فرماندهی تحولات فناورانه خواهد بود. کتاب از پنج فصل و یک جمع‌بندی تشکیل شده که عناوین پنج فصل اول عبارت است از: ۱- سیاست صنعتی چیست؟، ۲- رشد بدون سیاست صنعتی، ۳- نقطه چرخش و احیای سیاست صنعتی طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۳، ۴- راهبرد توسعه مبتنی بر پیشروان نوآوری ۲۰۲۵ تا کنون و ۵- ابزارها و نهادها. در انتها کتاب با یک جمع‌بندی به پایان رسیده است.